

درس سیصد و بیست و هفتم: صوت ۳۴۴

بررسی اشکالات عقلی در باب حسن احتیاط (2)

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تلمیذ: در بحث احتیاط مراتب مصالح باید لحاظ بشود؟ یک نفر اگر بخواهد احتیاط روی امرش داشته باشد، در آنجا که احتیاط می کرده است مرقوم فرمودید که باید خودش را با توحید وفق بدهد. حالا این خب مراتبی پیدا می کند. آیا در مرحله رعایت شرع و اسلام آسب قب آیا تمام مراتب باید لحاظ بشود یا نه هر کسی به مراتب خودش باید باشد؟

استاد: اتفاقاً مرحوم آخوند در بحث این جلسه همین مطلب را مطرح می کند، ایشان می فرمایند که ممکن است شخصی نسبت به احتیاط قائل بر این باشد که نیت قربت شرط نیست؛ یعنی صرف انجام عمل بدون نیت قربت، احتیاط است. خب در این صورت اگر مسئله به این کیفیت باشد شکی نیست بر اینکه در اینجا نیاز به امر نیست.^۱ در احتیاط تمام اشکال در این بود که آیا در اینجا نیت قربت شرط است یا نه؟ وقتی شما این شرط را برداشتید دیگر در اینجا کسی شک نمی کند بر اینکه مورد این مانحن فیه [جای] احتیاط است یا نه؟ دیگر شبهه ای ندارد.

بعد اشکالی که خود مرحوم آخوند نسبت به این مطلب وارد می کنند این است که می فرمایند: اینکه احتیاط نیست، اولاً ایشان می فرمایند که ادله بر این مسئله دلالت ندارند و مساعدت نمی کنند، به جهت اینکه ادله از احراز واقع حکایت می کنند و احراز واقع بدون نیت قربت معنا ندارد و باید شخص مکلف در جهت احراز واقع نیت تقرب داشته باشد، ورزش که نمی خواهد بکند! ریاضت که نمی خواهد بکشد تا مدام نماز را به چهار طرف بخواند و پشتک بزند بلکه باید نیت تقرب باشد، بنابراین وقتی شما نیت تقرب را بردارید دیگر در این صورت مسئله احراز واقع در اینجا متمشی نمی شود.^۲

دوم اینکه اگر دلیلی بر این مسئله دلالت بکند، خودش مولوی می شود چون او دیگر با واقع ارتباط ندارد، یعنی یک دلیلی آمده می گوید که آقا این کار را انجام بده، دیگر احراز واقعی در اینجا نیست، می گوید که این کار را بکن، ولی مرحوم آخوند در اینجا اشتباه می کنند و جهتش هم این است که آن شخصی که می خواهد فعلی را انجام بدهد چه نیتی دارد؟ ما اسم آن نیت را تقرب می گذاریم، ما دیگر نیت غیر از این نمی خواهیم؛ یعنی وقتی که شخصی می آید صلاة به اربع جهات را اتیان می کند - همان طوری که گفته شد - منظور او اتیان واقع است، و لا نَعْنَى بِالْقُرْبَةِ إِلَّا هَذَا. خب همین کفایت می کند، همین که او می آید به چهار

^۱ . کفایة الأصول، ص ۳۵۰.

^۲ . همان.

طرف نماز می خواند، نمی خواهد که چرخ بزند، اتفاقاً کمرش هم درد می کند و نمی خواهد نماز بخواند بلکه می خواهد بگیرد یک جا بنشیند، می خواهد بگیرد بخوابد اینکه به چهار طرف می خواهد نماز بخواند برای چیست؟! به خاطر اینکه واقع را اتیان بکند! او همین که می گوید: **الله اکبر** یعنی من می خواهم واقع را انجام بدهم، خب این قربت است دیگر! معنای قربت این نیست که انسان بیاید دست روی خصوص آن موضع و خصوص آن مورد بگذارد و بگوید که این عمل من واقع است، نه! این مطلب به این کیفیت نیست. این مسئله مردود می شود.

بعد دیگر مرحوم آخوند وارد بحث اخبار «مَنْ بَلَّغَ» می شوند که آیا به واسطه اخبار «مَنْ بَلَّغَ» حُسن احتیاط را می شود در اینجا ثابت کرد یا نه.

احتیاط در طهارت و نجاسات موجب وسواس

نکته ای که در صحبت شما و اشکال شما نسبت به مسئله بود این است که هر شخص محتاطی برای وصول به واقع باید این احتیاط از او سر بزند حالا واقع هرچه می خواهد باشد؛ حالا آن واقع مسئله توحیدی باشد، مسئله سلوکی باشد، مسئله عبادی باشد، مسئله شرعی باشد یا مسائل غیر شرعی باشد، هرچه می خواهد باشد و در هر رتبه ای می خواهد باشد، جای احتیاط این است که احراز واقع بشود اما در بعضی از موارد می بینیم که خود شارع امر به عدم احتیاط کرده است یعنی نفس احتیاط، مانع است. من باب مثال در باب طهارت و نجاسات بنای شارع بر مسامحه است و شارع عمداً در اینجا آمده حکم به عدم احتیاط کرده است، دارید در السنه می بینید چرا؟ چون مورد طهارت و نجاست از مواردی است که اگر انسان بخواند احتیاط کند و شارع هم بخواند تأیید کند، قطعاً این قضیه به وسواس کشیده می شود، در نود درصد افراد این طور است. الآن این همه افرادی که وسواس دارند برای چیست؟ به خاطر احتیاط است! حالا اگر می بینیم که شارع آمده روی مسئله طهارت ثوب هم تأکید کرده که حتماً باید طاهر باشد، خُب کم کم وسواس پیدا می شود.

ظهور وسواس در مسائل مهم مثل حج

وسواس هم در کجا ظاهر می شود؟ اتفاقاً در بعضی جاهای مهم مثل مسئله حج پیدا می شود. حج یکی از مسائلی است که بسیار در این قضیه وسواس برای افراد پیدا می شود و من خیلی از افراد را دیدم که مسئله وسواسشان از بعد از حج شروع شد، چون در موقع حج افراد را می ترسانند که حج تو باطل شد! زنت به تو حرام شد! خب شد که شد! پیرمرد هفتادساله بود در منی می لرزید و این طوری رعشه داشت گفت که آقا می گویند که اگر طواف نساء نکنیم زن حرام می شود، گفتم که خُب بشود بهتر! گفت که اِه مگر می شود؟! گفتم که حالا عوضش راحتی فعلاً! یک دفعه گفت که این حاج آقا چه می گوید؟! می گوید که بهتر که حرام شد! این اضطراب برای چیست؟ برای همین است که احتیاط آن طوری که واقعاً مورد امضاء است انجام بشود. خب

وقتی که این طور هست کم کم نفس نسبت به این مسئله حالتش دگرگون می شود و حالت وسواس در آن پیدا می شود لذا شارع این مسئله را کنار گذاشته و در این موارد عمداً انسان باید خلاف احتیاط انجام بدهد؛ یعنی اگر بخواهد به سمت احتیاط برود آن خودش وارد شدن در مهلکه است لذا خلاف احتیاط انجام بدهد و طبق عمل به ظواهر جلو برود.

موارد حُسن احتیاط

اما در مواردی که انسان احساس می کند که جنبه تفویت یک مصلحتی هست؛ مصلحت سلوکیه ای هست و ممکن است نسبت به آنجا از راه عقب بماند، ممکن است نسبت به یک قضیه مطلب مورد بازخواست قرار بگیرد قطعاً عقل در آن موارد حکم به احتیاط می کند و این مسئله خودش در اختیار انسان است و خود انسان می فهمد، هر شخصی بر طبق مدرکات خودش می فهمد که در کجا باید احتیاط کرد و در کجا مثلاً نباید احتیاط کرد و باید مقدار و حدود احتیاط هم مشخص بشود.

علی کلّ حال نه می توانیم بگوییم که در تمام مسائل شرع باید احتیاط کرد - در خیلی مسائل نه - و نه در همه مسائل نباید احتیاط کرد؛ می بینیم که در مسئله دماء باید احتیاط کرد چون مسئله شوخی نیست در فروج و در مسئله اعراض باید احتیاط کرد چون اینها مسائلی است که خیلی باید احتیاط کرد؛ **«الحدود تُدروُ بالشبهات»**؟! خب لسان روایت و لسان دلیل در آنجا حکم به احتیاط به نحو شدت و به نحو تمام می کند ولی در مسائل عادی و مسائل پیش پا افتاده این طور نیست لذا باید ببینیم که لسان حاکم به چیست.

مرحوم آخوند مطلب را تا اینجا می آورند بر اینکه اشکال به نیت تقرب در مورد احتیاط به قوت خودش باقی است و عقل حاکم به حُسن احتیاط بدون جهت تقرب است. این کلام مرحوم آخوند است که مطلب را می آورند تا به اخبار **«مَنْ بَلَغَ»** می رسند. اما چون بحث اخبار **«مَنْ بَلَغَ»** قبلاً گذشت لذا دیگر از این بحث صرف نظر می کنیم. إن شاء الله راجع به مسئله حُسن احتیاط آن مطالبی که از اعلام ثلاثه راجع به این قضیه هست به نحو فشرده عرض می کنیم و وارد بحث دیگر می شویم که البته این یک هفته ای کار دارد.

ظاهراً بحث بعدی بحث نهی از ضد است؛ اجتماع امر و نهی است این طوری که به نظر می رسد.

معنای کلام «احتیاط در خلاف احتیاط»

تلمیذ: در اینجا یک مطلبی فرمودید که در بعضی جاها شرع نسبت به بعضی از موارد احتیاط را خودش برداشته، آیا می شود گفت که با یک دید کلی تری باید احتیاط را لحاظ کرد، یعنی می بیند اگر او به وسواس بیفتد از آن غرض حرکت انسانی باز می ماند.

استاد: خب برای همین می گویند که احتیاط در خلاف احتیاط است؛ بله! شرع آمده نسبت به بعضی از موارد قائل به ترخیص شده و در بعضی موارد قائل به تشدید، به خاطر مصالح است و احتیاط هم چیزی نیست

جز وصول و ادراک مصالح بنابراین اگر در یک جا انسان احتیاط کند که نباید احتیاط کند، خود این خلاف احتیاط است.

تلمیذ: پس همان می‌شود گفت که عقلاً حُسن احتیاط لازم می‌آید ولی موارد فرق می‌کند یعنی عمق دیدگاه یک نفر مهم است که چطور مطلب را نگاه می‌کند.
استاد: بله.

اللهم صل علی محمد و آل محمد